

تجربه اقامتی و تمایل به مهاجرت به شهر تهران

شهلا کاظمی پور*

علی قاسمی اردهائی☆

تجربه اقامت در یک محیط را می‌توان یکی از عوامل مؤثر بر تمایل به مهاجرت به آن محیط دانست. مطالعه این اثر بدون در نظر گرفتن سایر متغیرها امکان‌پذیر نیست. با توجه به سایر تعیین‌کننده‌های تمایل (تصمیم‌گیری) به مهاجرت و با استفاده از برخی نظریه‌های مهاجرت، مدل نظری تحقیق شکل گرفته است. برای ارزیابی مدل و شناخت تأثیر تجربه اقامتی در شهر تهران بر میزان تمایل به مهاجرت به این شهر، دانشجویان غیرتهرانی علوم انسانی دانشگاه‌های تهران، شیراز و مازندران انتخاب شده‌اند. با استفاده از روش پیمایش، تجزیه و تحلیل نهایی بر روی ۳۷۱ دانشجو انجام گرفته است.

نتایج نشان می‌دهد، داشتن تجربه اقامت در تهران یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر تمایل به مهاجرت به این شهر است. در تحلیل دو متغیری، آزمون F ، رابطه معنی‌داری بین تمایل به مهاجرت به تهران و تجربه اقامتی مشاهده شده است. اما در تحلیل چندمتغیری، تحلیل مسیر، تأثیر مستقیم تجربه اقامتی بر تمایل به مهاجرت معنی‌دار نشده و تجربه اقامتی با اثر ۰/۲۲۳، به‌طور غیرمستقیم و از طریق متغیرهای جاذبه مقصد، دافعه مبدأ و شبکه مهاجرتی، تمایل به مهاجرت به تهران را تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به نتایج، نظریه‌های محرومیت نسبی، جاذبه و دافعه و شبکه مهاجرت برای تبیین اثر تجربه اقامتی بر میزان تمایل به مهاجرت به شهر تهران مناسب هستند.

واژگان کلیدی: تهران، تمایل به مهاجرت، مهاجرت دانشجویان، تجربه اقامتی، شبکه مهاجرتی، جاذبه - دافعه، محرومیت نسبی و هزینه‌های مهاجرت.

* عضو هیئت علمی مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه. shkazemi@ut.ac.ir
☆ کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی و دستیار علمی دانشگاه پیام‌نور. Ghasemi33@yahoo.com

مقدمه

مهاجرت به عنوان یکی از موضوعات محوری علوم انسانی و اجتماعی شناخته شده و از زمینه‌هایی است که در مطالعات جمعیت‌شناسی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. رولان پرسات^۱ برای مهاجرت سه ویژگی در نظر گرفته است: ۱. وجود فاصله مکانی بین دو محل، ۲. دائمی یا طولانی بودن مدت اقامت در محل جدید و ۳. وجود فاصله زمانی و زمان انجام مهاجرت (زنجانی ۱۳۸۰: ۶). در این مقاله، خود مهاجر و به عبارت دیگر مهاجر بالفعل مدنظر نیست. مهاجر، «مهاجر بالقوه» است: یعنی شخصی که اگر فرصتی یا شرایطی فراهم شود تمایل دارد که جابه‌جا شود. اکثر افراد مورد تحقیق کسانی هستند که اولین و دومین ویژگی ذکر شده را دارا بوده‌اند (منظور دانشجویان غیر بومی دانشگاه‌های مورد بررسی) و تنها ویژگی سوم است که آن‌ها را از مهاجران بالفعل متمایز می‌سازد. ویژگی سوم به قصد و نیت مهاجر اشاره دارد. به طوری که اگر شخصی به یک منطقه جغرافیایی دیگری برود و یک فاصله زمانی را مورد نظر قرار ندهد (مانند دانشجویان و سربازان)، عمل او مهاجرت دائم محسوب نمی‌شود (هرچند که سال‌های بیشتری را ممکن است در آن‌جا سپری کند).

شهر تهران به دلایلی از جمله مادرشهر و پایتخت بودن، به مرکز سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تجاری کشور تبدیل شده است. این امر موجب شده است که این شهر اغلب امکانات آموزشی، فرهنگی، تفریحی و به‌ویژه اقتصادی و معیشتی کشور را به خود اختصاص دهد. توزیع نابرابر امکانات و منابع بین تهران و سایر نواحی کشور، موج‌های عظیمی از مهاجران را به سوی تهران روانه می‌سازد. با توجه به جاذبه‌های شهر تهران، در بسیاری از موارد ساکنین موقت آن از جمله دانشجویان، که از سایر استان‌های کشور آمده‌اند، با تغییر نگرش اولیه تصمیم به اقامت دائم در این شهر می‌گیرند. این تصمیم به‌ویژه زمانی می‌تواند تقویت شود که دانشجویان فعالیت مناسبی را در حوزه تخصصی‌شان در مبدأ به‌دست نیاورند.

جوانان به دلیل ویژگی‌های روانی و اجتماعی‌شان، برای مهاجرت مستعدتر از سایر افراد جامعه هستند. کودکان و سالخورده‌گان به دلیل وابستگی به خانواده و اطرافیان و همچنین به دلیل این‌که افراد سالخورده رفتارهای محافظه‌کارانه‌ای را از خود نشان می‌دهند، نسبت به جوانان تمایل کمتری به مهاجرت دارند. طبق نتایج سرشماری ۱۳۷۵، بیشترین مهاجران مرد و زن به ترتیب در گروه‌های سنی ۲۰-۲۴ ساله (۱,۳۲۰,۷۶۶ نفر) و ۲۵-۲۹ ساله (۱,۱۴۱,۹۶۴ نفر) قرار دارند. یکی از انگیزه‌های اصلی قشر جوان برای ترک محل سکونت، کسب تحصیلات

1. Roland Pressat

به‌خصوص تحصیلات عالی است. تفاوت علایق افراد در زمینه رشته‌های تحصیلی و این‌که دانشگاه‌ها ظرفیت همه رشته‌های تحصیلی را ندارند، اختلاف فاحش دانشگاه‌ها در داشتن رشته‌های تحصیلی و پذیرش دانشجو و بسیاری از سیاست‌های دیگر در گزینش دانشجو، موجب شده‌اند تا فاصله جغرافیایی زیادی بین خاستگاه دانشجو و محل تحصیل وی به‌وجود آید. یکی از دستاوردهای این امر، کسب تجربه اقامتی برای دانشجو در محیطی غیر از محل سکونت خویش است که خود می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت باشد. این بررسی بر آن است تا نقش تجربه اقامتی افراد در شهر تهران را در فرایند تصمیم‌گیری آن‌ها به مهاجرت به شهر تهران مورد بررسی قرار دهد. برای مطالعه این اثر، جامعه‌ای در نظر گرفته شده است که تعدادی از واحدهای آماری آن چنین تجربه‌ای را به‌دست آورده‌اند (دانشجویان غیرتهرانی دانشگاه تهران و تعدادی از دانشجویان غیرتهرانی دانشگاه‌های شهرستان‌ها) و تعدادی نیز دارای این تجربه نیستند (اکثر دانشجویان غیرتهرانی دانشگاه‌های شهرستان‌ها).

بیان مسئله

طبق تئوری گزینشی بودن مهاجرت، همراه با هر گونه فرصتی که به‌وجود می‌آید، بعضی از افراد مهاجرت را برمی‌گزینند و برخی ماندن را. این امر تصادفی نیست. معمولاً مهاجران ویژگی‌هایی دارند که موجب می‌شود زمینه‌های رفتن یا ماندن را در مقایسه با آن‌هایی که می‌مانند متفاوت ارزیابی کنند (اوبرای^۱ ۱۳۷۰: ۸۲). مطابق با این تئوری، حداقل در ابتدا، مهاجرت‌گرایش دارد افراد نسبتاً آموزش‌دیده، ماهر، خلاق و دارای انگیزه‌های بالای کاری را از جوامع فرستنده جذب کند. مبدأ مهاجرت که اکثراً نقاط کوچک و محروم هستند، سرمایه‌گذاری عظیمی صرف نیروی انسانی خود می‌کنند ولی به دلیل نبود سیستم‌های جذب افراد تحصیل‌کرده (مانند دانشگاه‌ها، ادارات و صنایع بزرگ و غیره)، بسیاری از نیروهای انسانی ماهر خود را از دست می‌دهند. یکی از نقاطی که نیروهای انسانی ماهر کشور را جذب می‌کند شهر تهران است. به دلیل ویژگی‌های خاص شهر تهران، نسبت به سایر نقاط کشور افراد غیربومی زیادی با این شهر سروکار دارند. این امر زمینه اقامت افراد، به‌ویژه دانشجویان، در این شهر را فراهم می‌سازد که خود موجب مسائل مختلفی در سطح جامعه است. از نظر تحلیل ساختاری، مسائل ناشی از این الگوی مهاجرت را می‌توان در دو سطح جامعه مبدأ و جامعه شهر تهران بررسی کرد. گرچه بیشترین مسائل دامنگیر مبدأ است، ولی نباید مسائل مربوط به شهر تهران را از نظر دور داشت.

1. Oberai

مسئله‌انگیزترین جنبهٔ این الگوی مهاجرت، محروم شدن مناطق فرستنده از نیروی انسانی ماهر با تحصیلات عالی است. نیروی انسانی متخصص و ماهر در توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی هر جامعه‌ای نقش اساسی دارد. سرمایهٔ مادی در هر جامعه به کمک نیروی انسانی متخصص و کارآمد است که به جریان می‌افتد و به توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی جامعه می‌انجامد. همچنین مهاجرت جوانان موجب کاهش رشد جمعیت و کاهش نیروی جوان، افزایش نسبت سالخورده‌گان و در نتیجه افزایش نسبت وابستگی در مبدأ می‌شود. طبق بررسی‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۷۵: ۲۵)، در روستاها و شهرهای کوچک، نرخ رشد جمعیت پایین‌تر از نرخ طبیعی است. بنابراین، این الگوی مهاجرت، برای مبدأ چیزی جز فقر، عقب‌ماندگی و وابستگی نمی‌تواند به‌همراه داشته باشد.

از سوی دیگر، گسترش بی‌رویهٔ شهر تهران و شهرک‌های پیرامونی آن (که بی‌تردید مهاجرت نقش عمده‌ای در این گسترش دارد) مسائلی از قبیل مشکلات حمل و نقل درون‌شهری (ترافیک)، عدم دسترسی سریع‌تر به مراکز اداری، آموزشی و غیره، آلودگی محیط‌زیست از جمله آلودگی هوا، مسائل مربوط به مسکن و آپارتمان‌نشینی، مسائل مربوط به اشتغال و بسیاری از مسائل دیگر را موجب شده است.

گرچه مطابق با دیدگاه کارکردگرایی، مهاجرت جوانان تحصیل‌کرده همراه با تحرک و پیشرفت اجتماعی برای آنان بوده و در جهت رفع نیاز، برای برقراری تعادل اجتماعی است ولی، اگر به صورت ساختاری و در سطح کل جامعه به این پدیده نگریسته شود، مسائل یاد شده نمایان‌تر می‌شوند.

اهداف تحقیق

هدف اصلی پژوهش، آزمون اثر «تجربهٔ اقامتی افراد بر تمایل به مهاجرت آن‌ها به شهر تهران» است. به عبارت دیگر، این امر که آیا اقامت موقت در تهران و آشنایی با آن می‌تواند تأثیری بر مهاجرت آتی افراد به این شهر داشته باشد یا نه، مورد آزمون قرار می‌گیرد. این تأثیر می‌تواند هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم و از طریق تعیین‌کننده‌های هزینه‌های مهاجرت، شبکهٔ مهاجرتی، دافعهٔ مبدأ و جاذبهٔ شهر تهران صورت پذیرد. بنابراین، برای بررسی اثر تجربهٔ اقامتی با کنترل سایر متغیرها و همچنین برای پی بردن به اهمیت هر یک از متغیرها در میزان گرایش افراد به مهاجرت به تهران، اهداف جزئی‌تری نیز مد نظر قرار گرفته است. اهداف جزئی که به آن‌ها پرداخته شده است به شرح ذیل هستند:

— شناخت نگرش پاسخ‌گویان نسبت به جاذبه‌های شهر تهران و تأثیر آن بر تمایل آن‌ها به مهاجرت به این شهر.

- شناخت نگرش پاسخ‌گویان نسبت به دافعه‌های مبدأ و تأثیر آن بر تمایل آن‌ها به مهاجرت به شهر تهران.
- شناخت نگرش پاسخ‌گویان نسبت به هزینه‌های مهاجرت و تأثیر آن بر تمایل آن‌ها به مهاجرت به شهر تهران.
- شناخت وجود شبکه‌های اجتماعی و ارتباطی دانشجویان (خویشاوندان و دوستان) در تهران و تأثیر آن بر تمایل آن‌ها به مهاجرت به شهر تهران.

مبانی نظری

الگوها و روندها در مهاجرت بیانگر آن هستند که تنها با تأکید بر یک رشته یا یک سطح تحلیل نمی‌توان جریان‌های مداوم مهاجرتی را تبیین کرد، بلکه ماهیت چندوجهی آن نیازمند نظریه پیچیده‌ای است که دورنماها، فرضیه‌ها و سطوح گوناگون را دربرگیرد (مسی^۱ و دیگران ۱۹۹۳: ۴۳۱). فرض کارکردباوران در رابطه با دلایل مهاجرت، بر این است که تمام نیازهای اجتماعی در چارچوب نظام‌های اجتماعی آموخته می‌شوند. کنشگران در یک نظام نیازهایی را باور دارند که در آن نظام نمی‌توانند آن‌ها را برآورده کنند. لذا ممکن است تحولات لازم برای کاهش ناهماهنگی بین احساس نیاز و امکان تحصیل آن در کنشگر یا در نظام و یا در هر دو اتفاق بیفتد. درک ناهماهنگی‌های بین خصایص فرد و نظام اجتماعی منجر به مهاجرت شخص جهت کاهش ناهماهنگی‌های ساختی می‌شود (لهسائی‌زاده ۱۳۶۸: ۱۲). استارک^۲ کسی است که نظریه محرومیت نسبی^۳ را مطرح کرده است. مطابق با این نظریه، رفاه و خوشنودی خانوار نه تنها از افزایش در وضعیت صرف اقتصادی ناشی می‌شود، بلکه همچنین از طریق مقایسه با دیگر خانوارها در اجتماع مرجع^۴ صورت می‌گیرد. یعنی این‌که خانوارها نه تنها در جهت بهتر شدن درآمدشان فعالیت می‌کنند، بلکه می‌خواهند درآمدشان را نسبت به درآمد دیگران در اجتماع ترفیع دهند. اگرچه خانوارهایی که درآمدشان پایین است به مهاجرت برانگیخته می‌شوند، ولی اگر سطح درآمد در همه‌جا پایین باشد سطح انگیزش کاهش خواهد یافت. اگر برخی خانوارها درآمد بیشتری داشته باشند، خانوارهای فقیر هم به‌طور نسبی و هم به‌طور مطلق احساس محرومیت می‌کنند و انگیزه به مهاجرت به همان نسبت بالاتر خواهد رفت (مسی ۱۹۹۰: ۱۳). در چارچوب نظریه محرومیت نسبی، فرد مهاجر یا فردی که تصمیم به مهاجرت می‌گیرد، دو موقعیت را ارزیابی می‌کند. از یک سو، وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود را با دیگران و از

1. Massey

2. Stark

3. Relative Deprivation

4. Reference Community

سوی دیگر وضعیت محل مبدأ را با محل مقصد ارزیابی و مقایسه می‌کند و در نتیجه این مقایسه تصمیم به مهاجرت می‌گیرد.

نظریه سرمایه انسانی^۱ که در دهه ۱۹۶۰ برای تحلیل مهاجرت به کار گرفته شد، از دیدگاه برخی تحلیل‌گران برای نیروی انسانی پرورده بسیار مناسب شناخته شد. این نگرش با تلقی مهارت و تخصص انسان به عنوان کالایی در بازار عرضه و تقاضای کار، به تحلیل مهاجرت می‌پردازد. منظور آن است که نیروی انسانی پرورده برای کسب دستاوردهای بهتر از جایی به جای دیگر می‌رود تا بیشترین بازدهی را داشته باشد. بنابراین، تصمیم‌گیری افراد متخصص به مهاجرت، به مثابه نوعی تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از آن تلقی می‌شود (ارشاد ۱۳۸۰: ۴۸). نظریه سرمایه انسانی با مدل هزینه-فایده^۲ مرتبط است که در آن ارزیابی عقلانی هزینه‌ها و منافع برای مهاجرت در نظر گرفته می‌شود. مطابق با تقسیم‌بندی استارک، هزینه‌های مهاجرت موارد زیر را شامل می‌شود: هزینه‌های پولی مستقیم ناشی از مسافرت (حمل و نقل، مسکن و غیره)، هزینه‌های اطلاعات و تحقیق (زمان، پول، شناسایی شغل‌های موجود و به دست آوردن آن‌ها)، هزینه‌های فرصت (کنار گذاشتن درآمد در حالی که به خاطر کار، مسافرت و غیره تحقیق می‌کند) و هزینه‌های روحی (ترک محیط آشنا و حرکت به یک محیط غریب) (استارک ۱۹۸۴). وقتی از دید هزینه-فایده به مهاجرت نگرسته می‌شود، موضوع را باید در یک زمان نسبتاً طولانی‌تری در نظر گرفت و به مقایسه درآمدهای انتظاری در مبدأ و مقصد مهاجرت پرداخت، زیرا این امر در کوتاه‌مدت ممکن است گمراه‌کننده یا غیرقابل قیاس باشد.

اورت لی^۳ نظریه مهاجرت خود را به عنوان مفهومی که شامل عوامل مبدأ و مقصد، مجموعه موانع مداخله‌کننده و یک سلسله عوامل شخصی است به منظور تنظیم فرضیه‌های عمومی در خصوص حجم مهاجرت، گسترش جریان و ضدجریان مهاجرت و خصوصیات مهاجران به کار می‌برد (تودارو ۱۳۶۷: ۲۴). نظریه لی به «نظریه جاذبه-دافعه» مشهور است. بر اساس این نظریه عوامل جاذبه مقصد و دافعه مبدأ، اعم از عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره، گرایش به مهاجرت فرد را تا حدود زیادی تحت تأثیر قرار می‌دهد و در مرحله بعد و در صورت مهیا بودن شرایط و امکانات مناسب، این گرایش تبدیل به رفتار می‌شود. در کنار این عوامل، مقولاتی چون هزینه‌های مهاجرت، ویژگی‌های روحی و روانی، ارزش‌ها و آمال افراد، گرایش به مهاجرت آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در مدل لی، زمانی که عوامل

1. Human Capital Theory

2. Cost-Benefit Model

3. Everett S. Lee

دافعه (منفی) در مبدأ و از سوی دیگر عوامل جاذبه (مثبت) در مقصد بیشتر باشند، احتمال تصمیم به مهاجرت بالا می‌رود.

از دیگر نظریه‌های موجود در زمینه تأثیر تجربه اقامتی بر تمایل به مهاجرت، نظریه شبکه مهاجرتی را می‌توان عنوان کرد. مسی شبکه‌های مهاجر^۱ را مجموعه‌ای از روابط بین شخصی تعریف کرده است که از طریق نسبت‌های خویشاوندی، دوستی و اشتراک در جامعه مبدأ، مهاجران را به مهاجران قبلی در مقصد و به غیر مهاجران در نواحی مبدأ پیوند می‌دهند (مسی ۱۹۹۰: ۷). شبکه‌های مهاجر، مهاجرت را به چند روش آسان‌تر می‌کنند:

– افراد در تماس با مهاجران درمی‌یابند که در جایی به‌جز محل اقامت فعلی‌شان، ممکن است از رفاه بیشتری برخوردار شوند.

– شبکه‌های مهاجر، با کسب اطلاعات درباره راه‌های ایمن و ارزان یا راه‌های قاچاق، هزینه‌های مسافرتی را کاهش می‌دهند. همچنین این شبکه‌ها هزینه‌های عاطفی را کاهش می‌دهند، زیرا که اگر مهاجران به محیطی وارد شوند که مردم به زبان خود آن‌ها صحبت می‌کنند، از شوک همانندی آن‌ها کاسته و از طرد آن‌ها جلوگیری می‌شود.

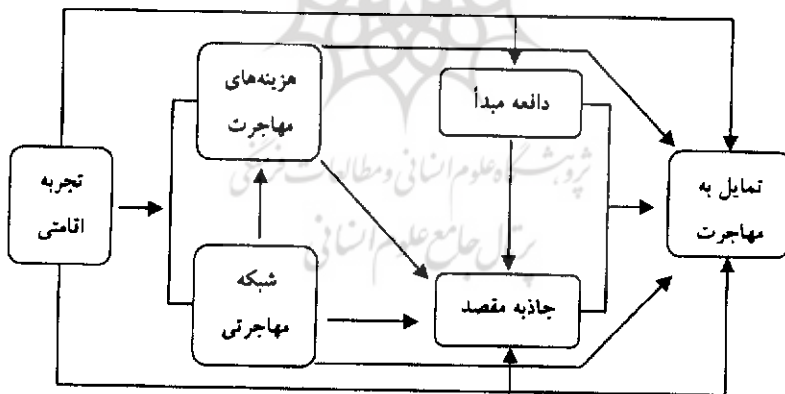
– شبکه‌های مهاجر با کمک به افراد در پیدا کردن شغل، منافع مورد انتظار از مهاجرت را افزایش می‌دهند.

– شبکه‌های مهاجر به کاهش هزینه‌های زندگی مهاجر جدید کمک می‌کنند (کوران و ریوروفونتز^۲ ۲۰۰۳: ۲۹۰).

ملاحظه می‌شود که در زمینه شبکه‌های مهاجر، بیشتر بحث از کاهش هزینه‌های (همان هزینه‌های پولی و غیرپولی در نظریه سرمایه انسانی) مهاجرت است. این کاهش از طریق تماس‌های اجتماعی مهاجر با شبکه یادشده و کمک و مساعدت آن‌ها صورت می‌پذیرد. با توجه به نظرات ارائه شده و ترکیب نتایج آن‌ها، الگوی نظری تحقیق در زمینه تأثیر تجربه اقامتی در شهر تهران بر تمایل به مهاجرت به این شهر به صورت ذیل خلاصه می‌شود.

در دیدگاه کارکردگرایی، بحث نیاز، آمال و آرزوها و ارزش‌های جدید مطرح است. مطابق این دیدگاه می‌توان گفت افرادی که در تهران تجربه اقامتی داشته‌اند، با محیط، امکانات، فرهنگ و ارزش‌های آن انس می‌گیرند و نیاز به این موارد تمایل آن‌ها را برای بازگشت به مبدأ کاهش می‌دهد. مطابق نظریه محرومیت نسبی، آن‌هایی که تجربه اقامتی در تهران دارند، به دلیل آشنایی با محیط و امکانات تهران و مقایسه آن با امکانات مبدأ، نسبت به آن‌هایی که تجربه

اقامتی در این شهر ندارند محرومیت بیشتری را احساس می‌کنند. بنابراین، برای رفع این محرومیت تصمیم به مهاجرت خواهند گرفت. در نظریه سرمایه انسانی، دستاوردها و هزینه‌های ناشی از مهاجرت مطرح است و این دو مورد معادله مهاجرت را تشکیل می‌دهند. در زمینه هزینه مهاجرت، بیشترین تأکید روی هزینه‌های غیر پولی مهاجرت از قبیل هزینه‌های فرصت، هزینه‌های اطلاعات و نظایر آن است. مهاجر بالقوه‌ای که در تهران به سر می‌برد این هزینه‌ها را از پیش‌روی خود برداشته است و نسبت به شخصی که تجربه زندگی در تهران را ندارد، از هزینه مهاجرت پایین‌تری برخوردار است. زندگی در یک محیط، هرچند به مدت کوتاه، باعث به وجود آمدن سلسله روابطی در آن محیط از طریق دوستان و آشنایان، همسایگان و غیره می‌شود. این امر زمینه برگشت دوباره به آن محیط را افزایش و هزینه‌های مهاجرت، که طرف دیگر معادله است، را کاهش می‌دهد. جاذبه شهر تهران و دافعه مبدأ نسبت به داشتن تجربه اقامتی در تهران می‌تواند به‌طور متفاوت عمل کنند. بنابر دلایلی که در نظریه کارکردگرایی و محرومیت نسبی اشاره شد، جاذبه‌های شهر تهران برای آن‌هایی که تجربه اقامتی در این شهر را دارند، می‌تواند بیشتر باشد و به همان نسبت به دافعه مبدأ افزوده شود. الگوی نظری یاد شده را می‌توان در قالب مدل تحلیلی ذیل ترسیم کرد.



نمودار ۱. مدل تحلیلی پژوهش

با توجه به مدل تحلیلی می‌توان اظهار داشت، تجربه اقامتی به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم (از طریق متغیرهای هزینه‌های مهاجرت، شبکه مهاجرتی، جاذبه مقصد و دافعه مبدأ) بر تمایل به مهاجرت تأثیرگذار است.

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این بررسی پیمایش است. جهت بررسی تأثیر تجربه اقامتی بر تمایل به مهاجرت به تهران از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانشجویان غیرتهرانی علوم انسانی دانشگاه‌های تهران، شیراز و مازندران در مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد تشکیل می‌دهند که در نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۵ مشغول تحصیل بوده‌اند (۱۹۶۱۷ نفر). حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۷۷ نفر به دست آمد ولی، در عمل از ۳۸۰ دانشجوی داده جمع‌آوری شده است. پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص (۹ پرسشنامه) حجم نمونه به ۳۷۱ نفر کاهش یافته است. تعاریف عملیاتی متغیرهایی که توسط آن‌ها مدل تحلیلی آزمون می‌شود در ذیل می‌آید.

تجربه اقامتی در شهر تهران: سنجش تجربه اقامتی برای دانشجویان غیرتهرانی دانشگاه‌های شهرستان‌ها و تهران به‌طور متفاوت صورت گرفته است. تجربه اقامتی دانشجویان دانشگاه‌های شهرستان‌ها از طریق سؤال مستقیم «چند ماه یا سال تجربه زندگی در شهر تهران را دارید؟» و دانشجویان دانشگاه تهران از طریق دو سؤال «درکل چند ترم تحصیلی است که در تهران مشغول به تحصیل هستید؟ و آیا قبل از پذیرفته شدن در دانشگاه تهران تجربه زندگی در شهر تهران را داشتید؟» مورد سنجش قرار گرفته است.

میزان تمایل به مهاجرت به تهران: برای سنجش میزان تمایل به مهاجرت به تهران، عبارات ذیل همراه با یک طیف پنج قسمتی از تمایل خیلی کم تا خیلی زیاد مطرح شده‌اند: تمایل به مهاجرت به تهران بعد از اتمام تحصیلات، تمایل به مهاجرت به تهران در صورت فراهم بودن امکانات زندگی، تمایل به مهاجرت به تهران حتی در صورت به‌دست آوردن شغلی پایین‌تر از شایستگی خود، تمایل به مهاجرت به تهران به دلیل داشتن آینده بهتر برای خانواده و فرزندان. با توجه به این‌که گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت تهیه شده‌اند، بنابراین از مجموع امتیازات هر فرد درباره هر یک از عبارات ذکر شده، نمره (فاصله‌ای) میزان تمایل به مهاجرت به تهران به دست آمده است.

میزان دافعه مبدأ: برای سنجش میزان دافعه مبدأ از پنج سؤال پنج گزینه‌ای (خیلی زیاد، زیاد، تا حدودی، کم و اصلاً) به شرح ذیل استفاده شده است: قبل از ورود به دانشگاه تا چه حدی مجبور بودید رفتار و اعمال‌تان را با انتظارات خانواده و اطرافیان منطبق کنید؟ در محل سکونت والدین تا چه حدی به وسایل ارتباط جمعی نظیر: اینترنت، روزنامه‌ها و مجلات مورد نیاز دسترسی دارید؟ بعد از اتمام تحصیلات و بازگشت به محل زندگی‌تان، احتمال دسترسی به شغل مناسب نسبت به رشته تحصیلی‌تان تا چه حدی خواهد بود؟ وقتی که در محل زندگی

والدین‌تان هستید، امکانات و تسهیلات رفاهی آن‌جا تا چه حدی برای شما رضایت‌بخش است؟ وقتی که در محل زندگی والدین‌تان هستید، تا چه حدی می‌توانید خود را با آداب و رسوم آن‌جا وفق دهید؟ هم‌چنین با استفاده از یک سؤال باز از دانشجو خواسته شد تا سه مورد از مهم‌ترین مسائل و مشکلات محل سکونت خویش را بیان کند. این مشکلات براساس اهمیتی که در زمان کنونی دارند به سه دسته؛ مشکلات سطح بالا مانند بیکاری، کمی درآمد و غیره، مشکلات سطح متوسط مانند کمبود تسهیلات بهداشتی، رفاهی، ارتباطی و نظایر آن و مشکلات سطح پایین مانند کوچک بودن محیط و بدی آب و هوا تقسیم شده‌اند. بنابراین از مجموع امتیازات هر فرد درباره هر یک از عبارات ذکر شده، نمره (فاصله‌ای) میزان دافعه مبدأ فرد به دست آمده است.

میزان جاذبه شهر تهران: با توجه به ویژگی‌های خاص شهر تهران، سنجش میزان جاذبه این شهر با گویه‌های اندک میسر نبوده است، بنابراین با استفاده از روش لیکرت از ۱۰ گویه برای اندازه‌گیری آن استفاده شد. هم‌چنین طی یک سؤال باز از دانشجو خواسته شده است تا سه مورد از مهم‌ترین عوامل ترغیب‌کننده مهاجرت به شهر تهران را بیان کند. گویه‌ها که از پنج درجه کاملاً موافق، موافق، تا حدودی موافق، مخالف و کاملاً مخالف تشکیل شده‌اند در ذیل ارائه می‌شوند: احتمال دستیابی به اشتغال در تهران، امکان بیشتر ادامه تحصیل در تهران نسبت به سایر مناطق کشور، کمتر تحت نظارت بودن رفتار افراد (احساس آزادی بیشتر) در تهران، دستیابی راحت به درآمد مورد انتظار در تهران، بیشتر بودن امکانات رفاهی و بهداشتی تهران نسبت به سایر مناطق کشور، بیشتر ارج نهادن به تخصص و توانایی فردی در تهران نسبت به سایر مناطق کشور، زندگی در پایتخت بهتر از زندگی در شهرستان است، علاقه به عضویت در تشکل‌های سیاسی موجود در تهران، امکانات بیشتر در تهران برای رشد و شکوفایی استعدادها و دستیابی بهتر به افراد سیاسی در تهران. عوامل ترغیب‌کننده مهاجرت به تهران در سه دسته؛ عوامل ترغیب‌کننده بالا مانند اشتغال، محیط بزرگ اجتماعی و نظایر آن، عوامل ترغیب‌کننده متوسط مانند امکانات رفاهی، بهداشتی، تفریحی و عوامل ترغیب‌کننده پایین مانند ارج نهادن به تخصص فردی، ازدواج و استقلال از خانواده تقسیم شده‌اند. به کسانی که عواملی را بیان نکرده‌اند نمره صفر داده شده است.

میزان هزینه‌های مهاجرت به شهر تهران: هزینه مهاجرت به تهران به دو طریق سنجیده شده است. ابتدا به کمک طیف لیکرت میزان موافقت دانشجو با گویه‌های پنج درجه‌ای کاملاً موافق تا کاملاً مخالف را در موارد زیر سنجیده است: مشکل پذیرش عادت‌های جدید اجتماعی شهر تهران (مانند عادت به توافیک)، وجود مشکلات زیاد در تهران از جمله گرانی مسکن، سخت

بودن ترک خانواده به خاطر مهاجرت و قابل تحمل نبودن آلودگی محیط‌زیست تهران. سپس از طریق یک سؤال باز در پرسشنامه از دانشجو خواسته شده است تا سه مورد از مهم‌ترین عوامل بازدارنده مهاجرت به شهر تهران را بیان نماید. عوامل بازدارنده در سه دسته؛ عوامل بازدارنده قوی مانند آلودگی هوا و هزینه بالای زندگی، عوامل بازدارنده متوسط مانند ترافیک و زندگی پردغدغه و عوامل بازدارنده ضعیف مانند فسادهای اجتماعی و وجود طبقات مختلف در تهران تقسیم شده‌اند. به کسانی که عوامل بازدارنده‌ای را بیان نکرده‌اند، نمره صفر داده شده است.

سطح شبکه مهاجرتی در شهر تهران: برای ساختن این شاخص از ده گویه استفاده شده است. سه گویه در زمینه نسبت خویشاوندی (دانشجویان حداکثر سه خویشاوند را برشمرده‌اند)، سه گویه در زمینه میزان رفت و آمد با خویشاوندان، سه گویه در زمینه میزان تشویق به مهاجرت پاسخ‌گو از طرف اقوام ساکن در تهران و یک گویه در زمینه میزان رفت و آمد دانشجو با دوستان تهرانی است. طریقه کد دادن به گویه‌ها به شرح ذیل است:

میزان رفت‌وآمد با دوستان	تعداد گویه	میزان تشویق به مهاجرت	تعداد گویه	میزان رفت‌وآمد	تعداد گویه	نسبت خویشاوندی
۰ = هیچ	۰	۰ = هیچ	۰	هیچ	۰	۰ = نداشتند
۱ = کم	۱	۱ = کم	۱	۱ = کم	۱	۱ = اقوام دور
۲ = متوسط	۲	۲ = متوسط	۲	۲ = متوسط	۳	۲ = فرزندان عم، دایی، خاله و عمه
۳ = زیاد	۳	۳ = زیاد	۳	۳ = زیاد	۳	۳ = فرزندان خواهر، برادر و خانواده همسر
						۴ = عم، دایی، خاله، عمه و پدر و مادر بزرگ
						۵ = برادر، خواهر و نامزد

از مجموع امتیازات هر فرد درباره هر یک از عبارات ذکر شده، نمره (فاصله‌ای) سطح شبکه مهاجرتی به دست می‌آید.

اعتبار^۱ و روایی^۲ تحقیق: از مهم‌ترین طبقه‌بندی‌های انواع اعتبار می‌توان به طبقه‌بندی انجمن روان‌شناسی آمریکا اشاره کرد. در این طبقه‌بندی سه نوع اعتبار مورد بحث قرار گرفته است: الف) اعتبار وابسته به معیار^۳، ب) اعتبار محتوایی^۴ و ج) اعتبار سازه‌ای^۵ (انجمن

1. Validity
3. Criterion-Related Validity
5. Construct Validity

2. Reliability
4. Content Validity

روان‌شناسی آمریکا ۱۹۷۴). اعتبار استفاده شده در این پژوهش اعتبار صوری^۱ است که همراه با اعتبار نمونه‌گیری اعتبار محتوایی را تشکیل می‌دهند. اعتبار صوری بر ارزیابی ذهنی پژوهشگر و داوران از وسیله اندازه‌گیری استوار است. بنابراین، لازم است تا توافق ضمنی افراد فراهم شود. برای این توافق از نظرات اساتید و جمعی از دانشجویان کارشناسی ارشد که در آزمون مقدماتی^۲ به پرسشنامه اولیه جواب داده‌اند، استفاده شده است. سنجش روایی طیف‌ها بر اساس ضوابط سازگاری درونی است. برای حذف گویه‌های نامناسب، هر یک از گویه‌ها با جمع نمرات مجموعه گویه‌ها در ارتباط گذاشته شده است و از روی میزان همبستگی با سایر گویه‌ها، روایی آن‌ها تشخیص داده می‌شود. یکی از روش‌هایی که بدین نحو عمل می‌کند استفاده از معیار آلفای کرونباخ است. روایی متغیرهای پژوهش از طریق معیار آلفای کرونباخ به دست آمده است که در جدول ذیل بیان می‌شود.

جدول ۱. مقدار آلفای متغیرهای تحقیق

مقدار	متغیرهای تحقیق
۰/۸۳۵۱	تمایل به مهاجرت به تهران
۰/۷۱۳۰	جاذبه شهر تهران
۰/۶۶۰۵	دافعه مبدأ
۰/۶۸۳۱	هزینه مهاجرت به تهران
۰/۸۸۹۶	سطح شبکه مهاجرتی در تهران

مقدار آلفای کرونباخ متغیرها نشان می‌دهد که گویه‌های تشکیل‌دهنده متغیرها از میزان همبستگی بالاتری برخوردار بوده‌اند و روایی شاخص‌های ساخته شده تحقیق در سطح قابل قبولی است. ملاحظه می‌شود که متغیر سطح شبکه مهاجرتی با مقدار ۰/۸۹ بیشترین آلفای کرونباخ را دارد و بعد به ترتیب متغیرهای تمایل به مهاجرت به تهران، جاذبه شهر تهران، هزینه مهاجرت به شهر تهران و دافعه مبدأ قرار می‌گیرند. استفاده از سؤالات باز در کنار سؤالات مدرج برای اندازه‌گیری متغیرهای جاذبه شهر تهران، دافعه مبدأ و هزینه‌های مهاجرت به شهر تهران، سبب پایین آمدن روایی این متغیر نسبت به دو متغیر تمایل به مهاجرت و سطح شبکه مهاجرتی شده است.

1. Face Validity

2. Pretest

یافته‌های تحقیق

الف. آمارهای دومتغیری و آزمون روابط دوگانه

جهت بررسی روابط دوگانه ترسیم شده در مدل تحلیلی از آزمون‌های t و پیرسون استفاده شده است. نتایج آمارهای دومتغیری به تفکیک آزمون‌های به کار گرفته شده در جداول شماره ۲ و ۳ ارائه شده است.

با توجه به جدول شماره ۲، از ۳۷۱ پاسخ‌گو حدود ۶۱ درصد (۲۲۶ نفر) تجربه اقامتی در شهر تهران را داشته‌اند و حدود ۳۹ درصد (۱۴۵ نفر) فاقد این تجربه بوده‌اند. برای شناخت رابطه بین داشتن تجربه اقامتی (بلی/خیر) و سایر متغیرهای وابسته تحقیق (وابسته نهایی و وابسته‌های میانی) از آزمون t استفاده شده است. با توجه به میانگین‌های دو گروه و سطح معنی‌داری روابط، نتایج ذیل به دست می‌آید. کسانی که تجربه اقامتی در تهران دارند، میانگین میزان تمایل به مهاجرت‌شان ۱۱ و افراد فاقد این تجربه میانگین تمایل به مهاجرت‌شان $8/7$ است. با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) می‌توان گفت داشتن تجربه اقامتی در تهران یکی از عوامل مؤثر در افزایش میزان تمایل به مهاجرت به این شهر است. میانگین نمره هزینه‌های مهاجرت افراد فاقد تجربه اقامتی در تهران، $1/1$ نمره بیشتر از افراد دارای تجربه اقامتی است. با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۰۸۹) این تفاوت در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار نیست. میانگین نمره سطح شبکه مهاجرتی، برای کسانی که در شهر تهران تجربه اقامت دارند $9/1$ و افرادی که تجربه اقامتی ندارند $4/9$ است. ملاحظه می‌شود که تفاوت بارزی بین دو میانگین وجود دارد. بنابراین، با احتمال ۹۹ درصد می‌توان گفت، سطح شبکه مهاجرت افراد دارای تجربه اقامتی در تهران بیشتر از افراد فاقد این تجربه است. همچنین در نمره میزان جاذبه شهر تهران از دید پاسخگویان، میان افراد دارای و فاقد تجربه اقامتی در شهر تهران ۵ نمره اختلاف وجود دارد. این تفاوت در سطح معنی‌داری $0/01$ معنی‌دار است. پس نگرش کسانی که در تهران تجربه اقامتی دارند نسبت به جاذبه‌های شهر تهران بیش از افراد فاقد این تجربه است. سطح معنی‌داری میانگین دافعه مبدأ بر حسب تجربه اقامتی (۰/۱۲۶) نیز نشان می‌دهد که میزان دافعه مبدأ میان افراد دارای و فاقد تجربه اقامتی، تقریباً به یک اندازه است.

برای شناخت همبستگی متغیرهای فاصله‌ای تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به سطح معنی‌داری روابط، بین تمایل به مهاجرت به شهر تهران با جاذبه شهر تهران، سطح شبکه مهاجرتی، دافعه مبدأ و میزان هزینه‌های مهاجرت رابطه معنی‌داری با احتمال ۹۹ درصد وجود دارد. جهت معنی‌داری روابط نشان می‌دهد که هر چقدر میزان جاذبه شهر تهران، سطح شبکه مهاجرتی و میزان دافعه مبدأ افزایش یابد، بر میزان تمایل به مهاجرت

جدول ۲. آزمون تفاوت میانگین متغیرهای وابسته برحسب تجربه اقامتی پاسخ‌گویان

سطح معنی‌داری	درجه آزادی *(df)	آماره t	داشتن تجربه اقامتی		متغیرهای وابسته
			خبر	بلی	
۰/۰۰۰	۳۵۶	-۶/۰۸	۱۱	۸/۷	تمایل به مهاجرت به تهران
۰/۰۸۹	۳۶۳	۱/۷	۱۸/۶	۱۹/۷	هزینه‌های مهاجرت
۰/۰۰۰	۳۶۴	-۵/۰۴	۹/۱	۴/۹	سطح شبکه مهاجرتی
۰/۰۰۰	۳۳۱	-۶/۰۱	۴۲	۳۷	جاذبه شهر تهران
۰/۱۲۶	۳۵۸	-۱/۵	۱۹/۱	۱۸/۸	دافعه مبدأ
* df = N ₁ + N ₂ - 2			۲۲۶	۱۴۵	کل

به شهر تهران افزوده می‌شود و هرچقدر میزان هزینه‌های مهاجرت افزایش یابد، از میزان تمایل پاسخ‌گو به مهاجرت به شهر تهران کاسته می‌شود. بین میزان جاذبه شهر تهران با میزان دافعه مبدأ و سطح شبکه مهاجرتی همبستگی مثبت وجود دارد. این همبستگی‌ها در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ معنی دارند. بنابراین، هرچقدر میزان دافعه مبدأ اقامت پاسخ‌گو و میزان سطح شبکه مهاجرتی وی در شهر تهران بالا باشد، میزان جاذبه شهر تهران نیز از نظر وی بالاست. همچنین سطح شبکه مهاجرتی با میزان هزینه‌های مهاجرت همبستگی منفی (۰/۱۰۷-) دارد. هرچقدر سطح شبکه مهاجرتی دانشجو در تهران بیشتر باشد، میزان هزینه‌های مهاجرت به شهر تهران در نزد وی کاهش می‌یابد. رابطه بین میزان هزینه‌های مهاجرت با میزان جاذبه شهر تهران از لحاظ آماری معنی‌دار نشده است. مباحث فوق را می‌توان در جدول شماره ۳ مشاهده کرد.

جدول ۳. آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای تحقیق

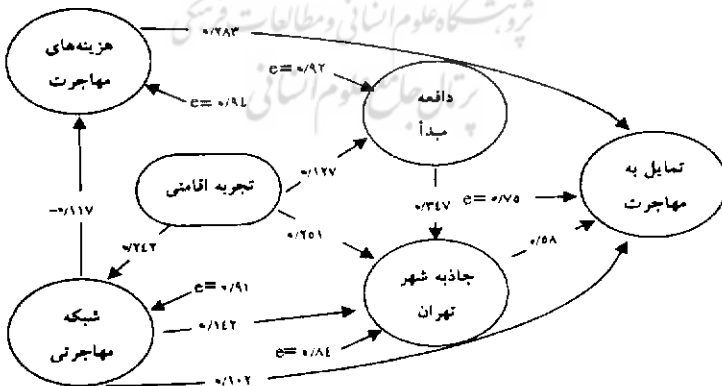
متغیرهای تحقیق	میزان جاذبه شهر تهران	سطح شبکه مهاجرتی	میزان دافعه مبدأ	میزان هزینه‌های مهاجرت
میزان تمایل به مهاجرت	۰/۵۸۵**	۰/۲۲۵**	۰/۲۱۲**	۰/۲۸**
میزان هزینه‌های مهاجرت	۰/۰۵۲	۰/۱۰۷*		
میزان دافعه مبدأ	۰/۳۶۵**			
سطح شبکه مهاجرتی	۰/۱۸۵**			

** معنی‌داری در سطح $P < 0/01$

* معنی‌داری در سطح $P < 0/05$

ب. آمارهای چندمتغیری و برازش مدل نظری

در بخش آمارهای دومتغیری، روابط ترسیم شده در مدل نظری به صورت دو به دو مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نتایج آماره‌های آزمون، رابطه تجربه اقامتی با هزینه‌های مهاجرت و دافعه مبدأ و رابطه هزینه‌های مهاجرت با جاذبه شهر تهران رد و معنی‌داری سایر روابط تأیید شد. در این بخش با به‌کارگیری تکنیک‌های آماری رگرسیون چندمتغیری و تحلیل مسیر، سعی بر آن است تا تأثیر مجموع متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و همچنین تأثیر تک‌تک متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته با کنترل تأثیر سایر متغیرها مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به مدل تحلیل پژوهش، علاوه بر متغیر وابسته نهایی (تمایل به مهاجرت به تهران) چند متغیر وابسته میانی (جاذبه شهر تهران، دافعه مبدأ، هزینه‌های مهاجرت و سطح شبکه مهاجرتی) هم وجود دارد. بنابراین، رگرسیون چندمتغیری برای هر یک از این متغیرهای وابسته به‌طور جداگانه انجام گرفته است. برای پیوند دادن محاسبات مختلف رگرسیون (در رابطه با تأثیر متغیر تجربه اقامتی بر میزان تمایل به مهاجرت به تهران) و برازش مدل تحلیل پژوهش، از تکنیک تحلیل مسیر استفاده شده است. با توجه به مدل تحلیلی پژوهش، پنج مرحله برای تحلیل مسیر در نظر گرفته شده است. در مرحله اول تمایل به مهاجرت به تهران، در مرحله دوم جاذبه شهر تهران، در مرحله سوم دافعه مبدأ، در مرحله چهارم هزینه‌های مهاجرت و در مرحله پنجم سطح شبکه مهاجرتی، به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده و رابطه‌شان با متغیرهای مستقل مورد آزمون قرار گرفته است. با استفاده از نتایج مراحل پنج‌گانه رگرسیون چندمتغیری، نمودار نهایی مسیرهای تأثیرگذاری تجربه اقامتی بر تمایل به مهاجرت به تهران در ذیل آورده می‌شود.



نمودار ۲. مسیرهای تأثیرگذاری تجربه اقامتی و سایر متغیرهای مستقل بر تمایل به مهاجرت به شهر تهران

با توجه به مدل به دست آمده از تحلیل مسیر، می‌توان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرها بر تمایل به مهاجرت به شهر تهران را محاسبه نمود. از حاصل جمع تأثیرهای مستقیم و غیرمستقیم، اثر کلی متغیرها به دست می‌آید. تأثیرهای مستقیم، غیرمستقیم و کلی متغیرهای مستقل تحقیق بر میزان تمایل به مهاجرت به تهران به شرح جدول شماره ۴ است.

جدول ۴. تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان تمایل به مهاجرت به شهر تهران

تأثیر کلی	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر مستقیم	متغیرهای مستقل
۰/۲۲۳	۰/۲۲۳	—	تجربه اقامتی
۰/۲۱۷	۰/۱۱۵	۰/۱۰۲	سطح شبکه مهاجرتی
۰/۲	۰/۲	—	دافعه مبدأ
-۰/۲۸۳	—	-۰/۲۸۳	هزینه‌های مهاجرت
۰/۵۸	—	۰/۵۸	جاذبه شهر تهران

از آن‌جا که در دیاگرام تحلیل مسیر از ضرایب بتا استفاده می‌شود که به صورت استاندارد هستند بنابراین، می‌توان اثرات متغیرهای مختلف را با یکدیگر مقایسه کرد و مؤثرترین آن‌ها را تعیین نمود (کلانتری ۱۳۸۲: ۲۳۹). مطابق با جدول شماره ۴، مؤثرترین متغیرها بر میزان تمایل به مهاجرت به تهران به ترتیب عبارت‌اند از: جاذبه شهر تهران، هزینه‌های مهاجرت، تجربه اقامتی، سطح شبکه مهاجرتی و دافعه مبدأ. جاذبه شهر تهران، دافعه مبدأ، تجربه اقامتی در تهران و سطح شبکه مهاجرتی تأثیر افزایشدهنده و هزینه‌های مهاجرت تأثیر کاهشدهنده در میزان تمایل به مهاجرت به تهران دارند. تجربه اقامتی در تهران تأثیر مستقیم بر تمایل به مهاجرت به تهران ندارد، ولی از طریق متغیرهای دافعه مبدأ، سطح شبکه مهاجرتی و جاذبه شهر تهران، بر تمایل به مهاجرت به تهران تأثیرگذار است.

یکی از اهداف به کارگیری تکنیک تحلیل مسیر، برازش مدل تحلیلی پژوهش است. با توجه به نتایج رگرسیون‌های چندمتغیری و نمودار تحلیل مسیر، رابطه‌های تجربه اقامتی با هزینه‌های مهاجرت، تجربه اقامتی با تمایل به مهاجرت به شهر تهران، هزینه‌های مهاجرت با جاذبه شهر تهران و دافعه مبدأ با تمایل به مهاجرت، معنی‌دار نشده است.

نتایج و بحث

سؤال مقاله حاضر این بود که آیا داشتن تجربه اقامت در شهر تهران می‌تواند تأثیری بر تمایل به مهاجرت به این شهر داشته باشد؟ برای پاسخ به این سؤال و تأثیری که متغیر تجربه اقامتی

می‌تواند در کنار سایر تعیین‌کننده‌ها بر تمایل (تصمیم‌گیری) به مهاجرت به تهران داشته باشد، از پیشینه نظری استفاده شد. با کنار هم گذاشتن تعیین‌کننده‌های برآمده از پیشینه نظری بر اساس روابط علی‌آن‌ها، مدل تحلیل پژوهش طرح‌ریزی و بر اساس آن روابطی فرض شد. برای آزمون روابط فرض شده و شناخت روابط بین متغیرها، از آزمون‌های آماری t و پیرسون در سطح تحلیل‌های دو متغیری و رگرسیون چندمتغیری و تحلیل مسیر در سطح تحلیل‌های چندمتغیری، استفاده شد. با توجه به نتایج آزمون‌ها و ترکیب نتایج تحلیل‌های دو متغیری و چندمتغیری، نتایج برآمده از پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر تمایل به مهاجرت به شهر تهران میزان جاذبه شهر تهران از دید پاسخگویان است. جاذبه شهر تهران با اثر کلی $0/58$ ، تمایل به مهاجرت به شهر تهران را به صورت مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این تأثیر، جاذبه شهر تهران به عنوان متغیر واسطه عمل می‌کند به گونه‌ای که به‌جز متغیر هزینه‌های مهاجرت، سایر متغیرها از طریق آن تمایل به مهاجرت به تهران را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر میزان جاذبه شهر تهران، میزان دافعه مبدأ (با اثر $0/347$) است. دافعه مبدأ از طریق متغیر جاذبه شهر تهران، تمایل به مهاجرت به تهران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. میزان هزینه‌های مهاجرت به شهر تهران با اثر $0/283-$ ، دومین متغیر تأثیرگذار بر میزان تمایل به مهاجرت به این شهر است. اثر این متغیر به صورت مستقیم و منفی است. سطح شبکه مهاجرتی هم به‌طور مستقیم (با اثر $0/102$) و هم به‌طور غیرمستقیم و از طریق متغیرهای هزینه‌های مهاجرت و جاذبه شهر تهران (با اثر $0/115$)، میزان تمایل به مهاجرت به شهر تهران را تحت تأثیر قرار می‌دهند به طوری که، هر چقدر سطح شبکه مهاجرتی دانشجو در شهر تهران گسترش یابد، میزان تمایل به مهاجرت وی به این شهر نیز افزایش می‌یابد.

در کنار متغیرهای یاد شده، داشتن تجربه اقامت در شهر تهران نیز یکی از متغیرهای عمده تأثیرگذار بر تمایل به مهاجرت به تهران است. تجربه اقامتی با اثر $0/223$ ، به‌صورت غیرمستقیم تمایل به مهاجرت به تهران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در تحلیل دو متغیری، رابطه معنی‌داری بین تمایل به مهاجرت به تهران و تجربه اقامتی ملاحظه شد، اما در تحلیل چند متغیری، رابطه مستقیم دو متغیر یاد شده معنی‌دار نبود و تجربه اقامتی به‌طور غیرمستقیم تمایل به مهاجرت به تهران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این پژوهش، داشتن تجربه اقامت در شهر تهران به سه طریق زیر میزان تمایل به مهاجرت به تهران را تحت تأثیر قرار می‌دهد:

الف) تجربه اقامت در تهران سبب افزایش جاذبه شهر تهران می‌شود و این افزایش به نوبه خود بر تمایل به مهاجرت به این شهر می‌افزاید.

ب) تجربه اقامت در تهران سبب بالا رفتن میزان دافعه مبدأ (بیشتر به دلیل مقایسه مبدأ با تهران) و به دلیل همبستگی مثبت دافعه مبدأ با جاذبه شهر تهران، در نتیجه موجب افزایش تمایل به مهاجرت به شهر تهران می شود.

ج) تجربه اقامت در تهران سبب گسترش سطح شبکه مهاجرتی دانشجویان در تهران شده است. سطح شبکه مهاجرتی تأثیر عمده‌ای در افزایش جاذبه شهر تهران، افزایش تمایل به مهاجرت به تهران و کاهش هزینه‌های مهاجرت دارد.

ملاحظه می شود که جاذبه شهر تهران نقش محوری در انتقال اثر تجربه اقامتی بر میزان تمایل به مهاجرت به این شهر را دارد. اگرچه از لحاظ میزان تأثیر بر تمایل به مهاجرت به شهر تهران، متغیر تجربه اقامتی در اولویت سوم قرار دارد، ولی متغیر یاد شده سه متغیر میانی تحقیق (دافعه مبدأ، سطح شبکه مهاجرتی و جاذبه تهران) را تحت تأثیر قرار می دهد. بنابراین، گستره تأثیرگذاری متغیر تجربه اقامتی نسبت به سایر متغیرهای تحقیق وسیع تر است و متغیرهای متعددی را تحت تأثیر قرار می دهد. با توجه به این نکات تجربه اقامت در تهران را باید از عوامل مهم در بالا بردن تمایل به مهاجرت به تهران و احتمال مهاجرت به تهران در آینده دانست. داشتن تجربه اقامت در شهر تهران توسط دانشجویان غیرتهرانی، سبب جذب آن‌ها (که اکثراً هم از نقاط محروم و کوچک هستند) به شهر تهران می شود و در نتیجه مسائل جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متعددی را در جوامع مبدأ و مقصد به وجود می آورد. بنابراین، پیشنهاد می شود که:

- سهمیه دانشگاه‌ها در پذیرش دانشجویان بومی افزایش یابد.
- برای جلوگیری از تک‌قطبی شدن دانشگاه‌های تهران در داشتن رشته‌های تحصیلی، آن رشته‌ها (به ویژه رشته‌های مقاطع تکمیلی) در دانشگاه‌های شهرستان‌ها گسترش یابد.
- جهت جذب افراد تحصیل کرده، مراکز علمی و تحقیقاتی در شهرستان‌ها گسترش و اشاعه یابد. اکثر پاسخ‌گویان یکی از مشکلات عمده محل سکونت خویش را نبود مراکز علمی و تحقیقاتی در آن برشمردند.

نتایج تحلیل‌های دو متغیری و چند متغیری نشان می دهد که برای تبیین اثر تجربه اقامتی در شهر تهران بر تمایل به مهاجرت به این شهر، نظریه‌های محرومیت‌نسیبی، جاذبه و دافعه و شبکه مهاجر مناسب هستند. نظریه اورت‌لی به دافعه مبدأ و جاذبه شهر تهران اشاره دارد. در ارزیابی میزان جاذبه و دافعه نظریه اورت‌لی، نظریه محرومیت نسبی استارک مؤثر است. در مقایسه امکانات مبدأ با امکانات شهر تهران است که پاسخ‌گو میزان جاذبه شهر تهران و دافعه مبدأ را مشخص می کند. وقتی پاسخ‌گویی تجربه زندگی در تهران را نداشته باشد، چنین مقیاسی برای

مقایسه با امکانات مبدأ وجود ندارد. در نتیجه وی امکانات مبدأ را بهتر ارزیابی می‌کند. به واسطه داشتن تجربه اقامت در شهر تهران، پیوندها و روابط خویشاوندی و دوستی در تهران افزایش می‌یابد. این امر میزان جاذبه شهر تهران را از دیدگاه فرد مقیم افزایش می‌دهد و زمینه را برای مهاجرت به شهر تهران آماده می‌کند.

منابع

- ارشاد، فرهنگ (۱۳۸۰) «مبانی نظری فرار مغزها بر حسب شکل‌های مختلف آن در شرایط کنونی»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۵، صص ۴۳-۶۰.
- اوپرای. ا. س (۱۳۷۰) مهاجرت، شهرنشینی و توسعه، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۷) مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه مصطفی سرمدی و پروین رئیسی‌فرد، تهران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- زنجان، حبیب‌الله (۱۳۸۰) مهاجرت، تهران، سمت.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۲) پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی، تهران، نشر شریف.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸) نظریات مهاجرت، شیراز، انتشارات نوید شیراز.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵) نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۷۵) تأثیر برخی از علل مهاجرت نیروی کار در ایران، تهران، دفتر انتشارات و اطلاع‌رسانی وزارت.

- American Psychological Association (1974) *Standards for Education & Psychological Tests*, Washington Press.
- Curran, Sara R. & Estela Rivero-Fuentes (2003) "Engendering Migrant Networks: the Case of Mexican Migration", *Demography*, 40 (2): 289-307.
- Massey, Douglas S. (1990) "Social Structure, Household Strategies, & the Cumulative Causation of Migration", *Population Index*, 56(1): 3-26.
- Massey, Douglas S., Joaquin Arango, Graeme Hugo, Ali Kouaouci, Adela Pellegrino & J. Edward Taylor (1993) "Theories of International Migration: A Review and Appraisal", *Population and Development Review*, 19(3): 431-466.
- Stark, Oded (1984) "Rural-to-Urban Migration in LDCs: A Relative Deprivation Approach", *Economic Development & Cultural Change*, 32: 475-485.